



«ایران» منتشر کرد

# فهرست ترک فعل دولت قبل در صنعت نفت

۲۹۲۰ روز پراز اشتباه و انفعال در صنعت نفت

ادامه از صفحه ۵

## ■ غفلت از ادبیات و زبان جهان وشکست در دادگله

گذشته از محکومیت ایران در پرونده کرسنت و ضرر چند میلیاردی، ایران در ۸ سال گذشته در ۲ دادگاه گازی دیگر محکوم شد که این محکومیت نتیجه ناتوانی دولت قبل در تعاملات بین‌المللی و ناآشنایی با زبان دنیا بود. یکی در مورد واردات گاز از ترکمنستان و دیگری در خصوص صادرات گاز به ترکیه.

سال ۱۳۹۱ شرکت بوتاش ترکیه در خصوص «گران بودن گاز صادراتی ایران» با استناد به بند Price revision شکایتی به دیوان داری بین‌المللی سوئیس ارسال واعلام ثبت داد کرد. همزمان در همان سال هم شرکت ملی گاز ایران نیز با استناد به همین بند از «ارزان بودن گاز» صادراتی خود به ترکیه به داری سوئیس شکایت کرد. موضوع شکایت ترکیه ایران نسبت به قیمت گاز در داری سوئیس تا آبان ماه سال ۱۳۹۴ در دولت یازدهم پیگیری شد، ولی به‌لحاظ برخورد ضعیف با موضوع و فقدان دیپلماسی انرژی قوی در وزارت نفت دولت یازدهم و از آن مهمتر «استناد طرف ترک به قیمت گاز ایران در قرارداد کرسنت»، شرکت بوتاش در آبان ۱۳۹۵ موفق به اخذ رأی داری به نفع خود شد و شرکت ملی گاز ایران

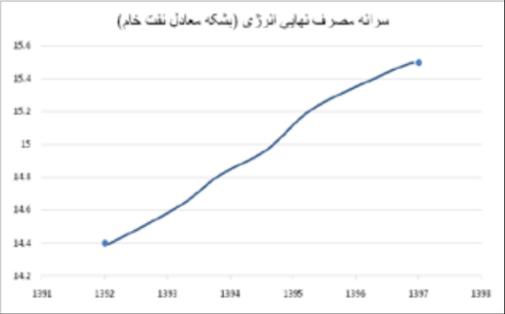
را به ۱۳٫۳ درصد کاهش قیمت گاز تا پایان قرارداد و نیز جزیمه‌ای معادل یک میلیارد و هشتصد و هفتاد و پنج میلیون دلار محکوم کرد. به‌همین منظور ایران برابر توافق وزارت نفت اقدام به صدور گاز مجانی به مدت ۱۴ الی ۱۵ ماه و به حجم روزانه ۳۰ تا ۲۰ میلیون مترمکعب به‌ترکیه کرد.

موضوع، صدور رأی داری ICC سوئیس در پرونده گازی ترکمنستان بود. به این ترتیب که سال ۱۳۹۹ دیوان داری بین‌المللی، مستقر در سوئیس، حکم به پرداخت ۲ میلیارد دلار بدی انباشته‌شده ایران به ترکمنستان از بابت واردات گاز داد. ترکمنستان از ابتدای سال ۲۰۱۷ در بی مناقشه با ایران بر سر بدی گاز صادراتی، تحویل گاز به ایران را متوقف کرد و بعد از چند دور مذاکره بی‌نتیجه، سرانجام علیه ایران به دیوان داری بین‌المللی شکایت کرد. عدم پرداخت طلب یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلاری ترکمن‌ها موضوع شکایت بود که روزانه حدود ۲۴۰ هزار دلار سود بدی فوق می‌شد. در حالی که مسئولان وزارت نفت مدعی گران بودن قیمت گاز ترکمنستان بودند اما عدم شکایت این گرانی، به داری بین‌المللی عملاً منافع ملی را قربانی بی‌مسئولیتی آنها کرد. زیرا بنا بر قواعد داری، دفاع ضعیف و عدم ارائه مستندات قوی شرکت ملی گاز ایران، توانستند پیروز داری شوند و ایران محکوم به پرداخت جریمه شود.

## ■ ضعف دیپلماسی نفتی و فرصت‌های از دست‌رفته

در سال گذشته فرصت‌های متعددی برای تقویت دیپلماسی با استفاده از ظرفیت‌های نفتی و گازی از دست رفت که بسیاری از این فرصت‌ها دیگر قابل بازیابی نیست. نماینده پیشین ایران در اوپک در این

دست‌رفته



بررسی میزان تحقق برنامه های نفتی و گازی ۸سال گذشته	
ظرفیت تولید نفت خام در سال ۱۳۹۹	۴ میلیون بشکه در روز
برنامه تولید نفت خام سال ۱۳۹۹	۴ میلیون و ۶۳۰ هزار بشکه در روز
ظرفیت تولید گاز در سال ۱۳۹۹	یک میلیارد مترمکعب در روز
برنامه ظرفیت تولید گاز در سال ۱۳۹۹	یک میلیارد و ۲۵۳ میلیون مترمکعب در روز
صادرات گاز در سال ۱۳۹۹	۷۰ میلیون مترمکعب در روز
برنامه صادرات گاز در سال ۱۳۹۹	۱۹۵ میلیون مترمکعب در روز
ارزش تخمینی صادرات پتروشیمی در سال ۱۴۰۰	۲۰ میلیارد دلار
برنامه درآمدزایی صادرات پتروشیمی سال ۱۳۹۹	۳۰ میلیارد دلار

بیانه راه، حتی برخی از معاونان که اتفاقاً از دوستان وی بودند، قطع همکاری کردند و از وزارت نفت جدا شدند. مرتضی بهروری فر، عضو مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی به «ایران» توضیح می‌دهد: «بدنه صنعت نفت تصوری می‌کرد که ما اورود بی‌ننگه به‌وزارتخانه وضعیت‌به‌ترمی‌شود، اما نه تنها مشکلات کم نشد بلکه شکاف بدنه و رأس هرم با انتصابات سیاسی و غیر حرفه‌ای، افزایش یافت و بی‌اعتمادی بیشتر شد. تصور وزیر نفت سابق این بود که مدیران ارشد رهبر اکرستر هستند و توجه به نیروی میانی، عملیاتی و کارگران ضرورت ندارد. در نهایت، این رویه که فعالان صنعت نفت خود را عضوی از یک خانواده می‌دانستند و ایثارگری می‌کردند، تقلیل و با وقوع حوادثی در صنعت نفت نمود یافت.» به‌گفته این کارشناس انرژی، وقتی یک سکوی حفاری که اجاره آن چندین هزار دلار است، نیم ساعت تعطیل شود، معادل حقوق پرسنل هزینه برمی‌دارد، اما دولت قبل بدون توجه به این مسأله برای حقوق و مزایای کارکنان تصمیم‌می‌گرفت.

بهروری فر همچنین می‌گوید: «کاهش اعتبار دانشگاه صنعت نفت و مدرک آن نیز مسأله دیگری است که در این دوره رخ داد. بی‌انگیزگی دانشجویان و استادان این دانشگاه در کنار نیروی کار فعال، یکی از زیان‌های سیاست‌های نادرست ۸ سال گذشته است.»

## ■ نادیده گرفتن ظرفیت‌شرکت‌های داخلی

پیشنهاد استفاده از ظرفیت خالی شرکت‌های ایرانی، بخش خصوصی و به‌طور کلی ظرفیت‌های مردمی برگزار شد که به نتیجه‌ای نرسید. رضا پدیدار، رئیس کمیسیون انرژی اتاق تهران در این باره به «ایران» می‌گوید: «بر اساس آخرین مطالعات ما در حوزه انرژی حدود ۳ هزار شرکت در بخش خصوصی - سازنده، پیمانکار، مهندسین ساخت، مشاوران- و بیش از ۳۲ تشکیل فعال هستند، اما آنچه استفاده می‌شود حدود ۲۵ درصد از ظرفیت موجود است و ۷۵ درصد ظرفیت خالی مانده است.» او ادامه می‌دهد:

«پیشنهادهای زیادی به دولت قبل برای صنعت نفت را دچار پارس و ناامیدی کرد، در بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها دادیم اما بساخی

فروزان و ابودر از منطقه خارگ و همچنین گاز میداین سروش و نوروز، هندجیان و بهرگانسر از منطقه بهرگان را جمع‌آوری و از سوختن روزانه ۶۰۰ میلیون فوت مکعب گاز جلوگیری کند، رها شد و با وجود سخنرانی‌های متعدد وزیر نفت وقت دیرسر جمع‌آوری گازهای همراه تا سال ۱۴۰۰ عملاً اقدام جدی در این باره صورت نگرفت.

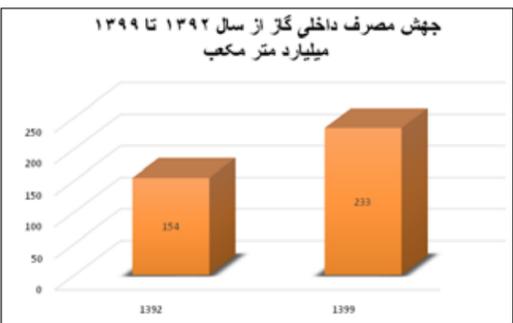
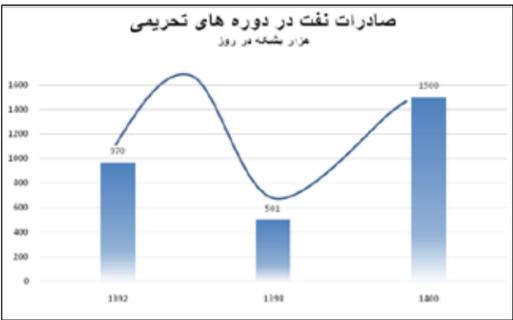
## ■ ازخارج تاخروج چینی‌ها

گذشته از اینکه در ۸ سال اخیر، دولت، حاضر به ریسک‌پذیری و اعتماد به شرکت‌های ایرانی برای توسعه صنعت نفت نشد، یک اشتباه دیگری در زمینه جذب سرمایه مرتکب شد. بهمن ماه ۱۳۹۲ وزیر نفت وقت از صدور آخرین اخطار و احتمال اخراج چینی‌ها با ادامه وقت‌کشی در توسعه میدان مشترک آزادگان جنوبی خبر داد. مدتی بعد در سال ۱۳۹۳ وزارت نفت دستور اخراج پیمانکار چینی را صادر کرد. قرارداد توسعه میدان آزادگان جنوبی، به ارزش ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، حدود پنج سال پیش از اخراج، در قالب بیع متقابل بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی نفت چین امضا شده بود. دولت به اجرای برجام و بازگشت غول‌های سرمایه‌گذاری جهان بسیار امیدوار بود و نه حاضر به استفاده از توان داخل بود و نه علاقه‌ای به همکاری با چین داشت. اما در قرارداد فاز ۱۱، مجدداً پای چینی‌ها به صنعت نفت ایران باز شد. این بار به‌عنوان دومین عضو کنسرسیوم و در کنار توتال فرانسه، ولی کار آنها نیز با خروج توتال متوقف شد و به

کنسرسیوم- سپرده شد اما به نوعی طرح توسعه بلانکلیف ماند. ضمن آنکه شاید می‌شد قرارداد بهتری بست که حداقل شرکا با خروج از قرارداد جریمه شوند. در همین حال کم‌اعتنایی دولت به شریک چینی یعنی «سی‌ان‌پی‌سی‌آی» در این قرارداد نیز فرصت استفاده از ظرفیت‌های این شرکت را از ایران گرفت. بر اساس رقمی که وزیر نفت وقت می‌گوید، از عدم توسعه فاز ۱۱ طی ۸ سال اخیر ایران ۴۵ میلیارد دلار ضرر کرده است.

## ■ صیانت‌ازمخازن

برخی از کارشناسان انرژی بر این باورند تولید صیانتی و حفاظت از مخازن نفت و گاز مسأله دیگری است که در ۸ سال گذشته رعایت نشد. منظور اجرای تعهدات قانونی از جمله تعهدات قوانین برنامه‌های پنج ساله در مورد تزریق گاز کافی به منظور بهره‌برداری بهینه از میادین نفتی و تضمین تولید صیانتی است. به اعتقاد کارشناسان ضریب بازیافت ۲۵ درصدی نفت خام در ایران و افت فشار مخازن نفتی و گازی بویژه در مخزن مشترک پارس جنوبی موضوع مهمی است که آینده تولید نفت و گاز ایران را تهدید می‌کند و ادامه این شرایط بخش قابل توجهی از ذخایر هیدروکربوری ایران را از دسترس خارج می‌کند. برای ایران هر یک درصد افزایش ضریب بازیافت از مخازن نفت به معنی ظرفیت تولید ۸ میلیارد بشکه بیشتر است.



روند سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، طی ۴ سال دولت یازدهم و ۲ سال نخست دولت دوازدهم به دو بخش قابل تقسیم است. بخش اول، انتظار برای اجرای برجام و بازگشت شرکت‌های خارجی. بخش دوم، تنظیم مدل جدید قراردادهای نفتی و اجرای آن که به‌دنبال ناکامی بخش دوم، فقط یک قرارداد با شرکت توتال فرانسه برای فاز ۱۱ پارس جنوبی امضا شد و آن هم با خروج آمریکا از برجام، بار دیگر بدعهدی کرد و از ایران رفت. در میادین مشترک غرب کارون نیز اگرچه تولید افزایش نامتخصمان و مهندسان می‌گویند که در ۸ سال گذشته تنها اقدامات دولت دهم تکمیل شد و چاه جدیدی در این مدت حفر نشد. حتی برای افزایش ضریب بازیافت نفت خام از چاه‌های موجود هم اقدامی صورت نگرفت. به طوری که ضریب بازیافت نفت از میادین غرب کارون رقمی در حدود ۶-۵ درصد است. در حالی که متوسط ضریب بازیافت در میادین نفتی جهان حدود ۳۴ درصد است.

## ■ غفلت‌از ابزارهای صادرات‌نفت

پس از خروج آمریکا از برجام صادرات نفت (نفت خام و میعانات گازی) ایران صفر شد. اما به میزان قابل توجهی کاهش یافت. بر اساس گزارش سازمان برنامه و بودجه، در سال ۹۸، مقدار صادرات نفت خام ایران ۲۴۰ هزار بشکه در روز و مقدار صادرات میعانات گازی ۸۱ هزار بشکه در روز بوده است. از این رو، مجموع صادرات نفت خام و میعانات گازی کنسرومان در این سال، ۵۰۱ هزار بشکه در روز بوده است. سقوط صادرات روزانه نفت ایران از رقمی در حدود ۲٫۶ میلیون بشکه به ۵۰۰ هزار بشکه، اگرچه با فشارهای آمریکا برای صفر کردن صادرات نفت ایران و همین‌طور کاهش تقاضا برای نفت در نتیجه همه‌گیری کرونا مرتبط بود، ولی اغلب کارشناسان معتقدند که ایران از ظرفیت‌های خنثی‌سازی تحریم‌ها در این دوره بهره کامل نبرد. به گفته کارشناسان، تعامل نامطلوب ایران با چین دیرباره برخی پروژه‌های نفتی در سال‌های ابتدایی دولت یازدهم، یکی از عواملی بود که صرافت این کشور را برای خرید نفت ایران کم کرد. چنین اگرچه از خرید نفت ایران دست نکشید و همواره بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران پیش از تحریم بود و در دوره تحریم بوده اما در ۳ سال گذشته تمایل چندانی برای خرید بیشتر نفت از ایران نداشت. جواد اوجی وزیر نفت در شهریور ماه اعلام کرد که «تحریم‌های آمریکا سبب شد ایران از آوریل ۲۰۱۸ تا آوریل ۲۰۲۱ از تولید یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون بشکه نفت و بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی محروم شود.»

## ■ بی‌تکلیفی شرکت‌ملی صنایع پتروشیمی

عدم تعیین تکلیف شرکت ملی صنایع پتروشیمی طی ۸ سال گذشته موضوع دیگری است که از نگاه کارشناسان مورد بحث است. به عبارتی، با توجه به اینکه طبق سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی دولت و وزارت نفت دیگر نمی‌توانند در توسعه پتروشیمی سرمایه‌گذاری کنند، این شرکت باید به یک ستاد یا دستگاه حکمرانی تغییر وضعیت پیدا می‌کرد که بتواند برای آینده صنعت پتروشیمی کشور و تکمیل زنجیره ارزش آن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و وضعیت صنعت را هدایت و نظارت کند، اما این اتفاق نیفتاد. مسأله دیگری که کارشناسان به آن انتقاد دارند موضوع جهش دوم صنعت پتروشیمی است که محصولات پتروشیمی ایران را بیش از پیش خوراک محور کرد تا بازار محور. مقایسه‌های جهانی نشان می‌دهد که تاکنون توسعه صنعت پتروشیمی در ایران چندین بازارسنجی دقیقی نداشته است؛ به‌طوری که میان حجم تولید هر محصول پایه‌ای در ایران و میانگین جهانی فاصله است. فاصله‌ای ۴ برابری در برخی از محصولات مهم و مزاد تولید و عرضه‌ای به میزان ۳ برابر در برخی از محصولات کم‌خریدار.

در دولت یازدهم و دوازدهم ۳۲ طرح پتروشیمی با ظرفیت ۳۴ میلیون تن به بهره‌برداری رسید که البته اکثر این طرح‌ها در دولت نهم و دهم شروع شده بودند و در نهایت با اجرای آنها تولید محصولات پتروشیمی ایران بیش از گذشته خوراک محور شدند تا بازار محور. به طوری که ظرفیت تولید متناول کشور به بیش از ۱۴ میلیون تن در سال به کشور چین می‌رود.»



دریافت نکردیم. دولت تمایلی به استفاده از این راهکارها نداشت.»

پدیدار تصریح می‌کند: «اگر این ظرفیت استفاده شود اقتصاد ایران متحول می‌شود. در تمام بخش‌های بالا دستی، میان دستی و پایین دستی صنعت نفت امکان استفاده بخش خصوصی واقعی وجود دارد. حتی بخش خصوصی قادر است که با مدل‌های خط‌اعتباری یا نهانه‌ری یا مشابه آن نیازهای صنعت را تأمین کند. این قابلیت در دولت ندارد.» به‌گفته پدیدار حتی در شرایط تحریم بخش خصوصی توانایی سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلار را هم دارد. این سرمایه قابل توجهی برای روشن شدن موتور توسعه صنعت نفت است که اگر تعاملات بین‌المللی بیشتر شود، حتی تا دو برابر می‌تواند افزایش یابد. تنها کار که دولت لازم است انجام دهد فراهم‌سازی مدل خط اعتباری و دادن اعتبار به بخش خصوصی است.

## ■ فلرسوزی وهدر رفتن گاز

جمع‌آوری گازهای همراه نفت در سطح مناطق نفت خیز جنوب و خاموش کردن مشعل‌های فرآوانی که در پارس جنوبی می‌سوزند و مواد ارزشمندی را تبدیل به آلاینده‌های محیط زیستی می‌کند، موضوع دیگری است که می‌توانست صرف‌تأمین دوازدهم غفلت شد.

ایران سومین کشور دنیا از نظر بیشترین فلرسوزی است. قرار بود که وزارت نفت طبق برنامه ششم هر ساله، سوختن گازهای فلر از ۲۰ درصد کاهش دهد و بر اساس ماده ۴۸ این قانون تا پایان برنامه ششم توسعه حداقل درصد گازهای مشعل کنترل شود؛ اما نه تنها کنترل نشد بلکه حتی در پایان برنامه ششم توسعه میزان فلرسوزی و هدر رفت گاز ایران بیشتر شد، به طوری که روزانه معادل تولید گاز فاز ۲ پارس جنوبی (حدود ۲۰ میلیارد مترمکعب در سال) تحت عنوان سوزاندن گاز همراه به مواد آلاینده تبدیل می‌شود. رقم قابل توجهی که می‌توانست صرف‌تأمین نیاز داخل از جمله در پتروشیمی و حتی صادرات شود.

در این مدت حتی طرح‌های مانند ان. جی. ال خارگ که قرار بود گاز همراه میادین دورود،

رسیده است. اکنون برای ایران جایگاه نخست در میان محصولات پتروشیمی متعلق به «تانول» با وزن ۳۷ درصدی از محصولات پایه‌ای است؛ در حالی که در مقیاس جهانی حجم تولید این محصول یک سوم ایران و ۱۲ درصد است. البته دولت قبل برای حرکت به سمت میان دست و پایین دست پتروشیمی طی جهش سوم برنامه‌ریزی‌هایی انجام داد که در سال‌های آتی اجرایی خواهد شد. اما در وضعیت فعلی نه تنها بازاریابی محصولات دشوار است بلکه هر تن محصول پتروشیمی ایران به خاطر آنکه زنجیره ارزش افزوده را طی نکرده‌اند، درآمد آرزوی حدود یک سوم مقیاس جهانی برای کشور ایجاب می‌کنند.

## ■ توسعه‌کنندمیادین مشترک وتنظیم قراردادی فرصت‌سوز

در میان میادین مشترک، فازهای ۱۱، ۱۲، ۲۴ میدان مشترک پارس جنوبی، میادین مشترک غرب کارون، لایه‌های نفتی پارس جنوبی و میدان آذر در دولت یازدهم و دوازدهم به بهره‌برداری رسیدند که اکثر این پروژه‌ها با بودجه‌های کم‌تر از بودجه دولت قبلی تأمین شدند. نظر کارشناسان، کم‌توجهی به مخازن مشترک خشکی و دریایی و خصوصاً لایه نفتی پارس جنوبی مسأله مهمی است که به ضرر منافع ملی تمام شد. قطری‌ها تاکنون نزدیک ۱٫۵ میلیارد بشکه از این لایه‌ها استخراج کرده‌اند اما ایران تولیدی از این لایه‌ها ندارد. در همین حال فرصت‌های زیادی در دولت یازدهم برای جذب سرمایه خارجی و وارد کردن تکنولوژی از دست‌رفت و در فاصله‌های روز آژ آمدن دولت در سال ۹۲ تا خروج ترامپ از برجام، فرصت ارزشمندی برای این کار به‌وجود آمده بود که در جهت تنظیم قرارداد آی‌پی‌سی از دست رفت. روند سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، طی ۴ سال دولت یازدهم و ۲ سال نخست دولت دوازدهم به دو بخش قابل تقسیم است. بخش اول، انتظار برای اجرای برجام دوم، و بازگشت شرکت‌های خارجی. بخش دوم، تنظیم مدل جدید قراردادهای نفتی و اجرای آن که به‌دنبال ناکامی بخش دوم، فقط یک قرارداد با شرکت توتال فرانسه برای فاز ۱۱ پارس جنوبی امضا شد و آن هم با خروج آمریکا از برجام، بار دیگر بدعهدی کرد و از ایران رفت. در میادین مشترک غرب کارون نیز اگرچه تولید افزایش نامتخصمان و مهندسان می‌گویند که در ۸ سال گذشته تنها اقدامات دولت دهم تکمیل شد و چاه جدیدی در این مدت حفر نشد. حتی برای افزایش ضریب بازیافت نفت خام از چاه‌های موجود هم اقدامی صورت نگرفت. به طوری که ضریب بازیافت نفت از میادین غرب کارون رقمی در حدود ۶-۵ درصد است. در حالی که متوسط ضریب بازیافت در میادین نفتی جهان حدود ۳۴ درصد است.